



شماره ثبت: ۲۷۳۲

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

کذب.....	۲
مبحث شانزدهم: اخبار از قضیه مشکوک فیها.....	۲
نظر امام (ره).....	۲
۱. وجوب صدق.....	۲
تساویر وجوب صدق.....	۳
اشکال.....	۳
۲. الغای خصوصیت.....	۳
اشکال.....	۴
۳. عقیده متکلم مدلول التزامی در اخبارات.....	۴



کذب

مبحث شانزدهم: اخبار از قضیه مشکوک فیها

نظر امام (ره)

اگر دلیلی بگوید لا تکرم الفاسق و شخص شک کند که فاسق است یا نیست، مانعی وجود ندارد که وی را تکرم کند. در مبحث ما نیز کذب حرام است، اگر می‌داند باران می‌آید، کذب است و اگر نمی‌داند، بگوید باران بیاید، دو حالت دارد:

۱. یا باران نمی‌آید و مصداق کذب است. اما چون شک دارد، حرام نیست. این شبهه‌ی مصداقیه است. ما در اینجا کذب مخبری می‌خواهیم. این یعنی، جمله مطابق واقع نباشد و شخص نیز همین را اراده کند. ولی در این مثال، شخص نمی‌داند که مصداق کذب است یا نیست.

۲. احتمال دوم باران می‌آید و کذب نیست.

چیزی که ما از آن منع شده‌ایم کذبی است که مخالف واقع باشد و شخص نیز آن را اراده کرده باشد. اما در مثال بالا، اراده‌ی شخص به غیر واقع نشده است.

اخبار از قضیه مشکوک فیها، با ادات شک و تردید، مصداق کذب نیست. بدون ادات نیز مانعی ندارد چون شبهه‌ی مصداقیه کذب است. اما شم فقهی ما اجازه جایز بودن را نمی‌دهد. وقتی خبر ندارد، نباید خبر داده شود. درست است که در ظاهر شبهه مصداقیه است. اما باید وجوهی برای حرمت این مطلب را بیان کنیم.

در ادامه امام (ره) ادله‌ای برای حرمت این مطلب را می‌آورند. این امر از عنوان کذب شاید دارای حرمتی نباشد اما از عناوین دیگر حرمت دارند که عبارت است از:

۱. وجوب صدق

تاکنون ما می‌گفتیم، کذب حرام است. اما می‌توانیم ادله‌ای بیاوریم که بگوییم صدق واجب است. با این بیان شبهه مصداقیه در اینجا صادق نیست. در اینجا باید احراز صدق کنیم ولی در اینجا احراز صدق نشده است.



تصاویر وجوب صدق

وجوب صدق را به دو شکل می‌توانیم تصویر کنیم:

الف) صدق علی الاطلاق واجب است.

ب) وجوب صدق علی فرض اراده اخبار است. اگر قرار است خبر و سخنی بگویی باید در آن سخن، صادق باشی.

تصویر اول، ناعاقلانه است. زیرا یعنی هر چه که درست است را شما باید بگویی. قطعاً این منظور نیست.

منظور ما همین تصویر دوم است. یعنی در هر جا که می‌خواهی سخن بگویی، باید صادق باشی. ثمره این شرط، در بحث ما روشن است. در این صورت دلیل ما می‌گوید هر گاه لب به سخن گشودی، حتماً باید راست بگویی. در اینجا الزام به حرف زدن نیست ولی اگر حرف می‌زنی باید صادق باشد.

در اینجا ما دو حکم داریم: ۱. حکم تحریمی که در اینجا صادق نیست زیرا شبهه مصداقیه است. ۲. حکم ایجابی و الزامی داریم که بر صدق علی تکلم است.

اشکال

ما دلیلی بر وجوب صدق نداریم. حتی شواهدی بر خلاف این امر نیز است. البته قطعاً استحباب دارد اما دلیلی بر وجوب آن نیست.

۲. الغای خصوصیت

وجه دوم فرمایش حضرت امام (ره) الغای خصوصیت از ادله حرمت فتوا به غیر علم است. توضیح این وجه دوم این است که ما ادله‌ای در باب افتا و قضا داریم. این دو نباید به غیر از علم باشد. کسی که فتوا و حکمی در قضا صادر می‌شود، باید علم این وجود باشد که با واقع مطابق است. حتی اگر شک داشته باشد، حرام است. ادله‌ی بسیاری واقع شده است که فتوا و قضا را با حجت صادر کنید. وقتی که حجت به خلاف دارد، کذب قطعی است. حتی اگر شک کند و نداند، مصداق کذب نیست ولی عنوان دیگری دارد و حرام است.



شماره ثبت: ۲۷۳۲

مقدمه دوم الغای خصوصیت است. اینکه فتوا انجام می‌دهد. روح مسئله تنقیح مناط است. اساس این است که چیزی از شخص صادر می‌شود که نمی‌داند با واقع مطابق است یا خیر؟ ملاک در این دو مورد، اخبار من غیر علم است.

در این صورت دو قاعده وجود دارد:

۱. در جایی که می‌داند خلاف واقع است، کذب است و حرام است.

۲. خبر بدون علم و شک حرام است. که در قضایای مشکوک می‌آید.

اشکال

این تنقیح مناط خیلی بعید است. زیرا از موردی حکم را به مورد دیگر می‌بریم. این احتیاج به ملاک مناسبی دارد و اخبار به علم غیر است. در فتوا و قضا به خاطر اهمیت زیاد، شارع تحریم کرده است. در اینجا اولویت وجود ندارد، بلکه معکوس اولویت است.

۳. عقیده متکلم مدلول التزامی در اخبارات

در جایی که شخص قضیه‌ی مشکوکیه را بیان می‌کند، بدون اینکه ادات شرط و تردید در بیان وی باشد، مثلاً باران می‌آید. این دو جمله است. یک جمله مطابقی است و یک جمله التزامیه است. وقتی که کسی خبری می‌دهد و می‌گوید باران می‌آید، یک جمله مطابقی است که همین خبر را افاده می‌کند، اما همه‌ی این جمله‌ها یک مدلول التزامی دارد که یعنی من به این اعتقاد دارم. این مدلول التزامی همیشه در حرف‌های ما وجود دارد. ما هر وقت یک جمله‌ای را بیان می‌کنیم، اعتقاد خودمان را نیز مدلول التزامی آن می‌دانیم. اگر این مطلب را پذیرفتیم، اشکال جملات مشکوک این است که کذب هستند، البته از حیث مدلول مطابقی کذب نیستند، بلکه از حیث مدلول التزامی کذب است. در نتیجه کذب در مدلول التزامی است. این شخص کاذب از حیث مدلول التزامی می‌شود.

در وجوه سابق، مدلول‌های مطابقی حرام بود. اما در اینجا حرمت وجود دارد، ولی برای مدلول التزامی است.